

طنز

از قلم فضل الريميم (ريميم)

برگرفته شده ازگزینه ،(فساد نامه)

## یک اعتراض عدالتخواهانه !

دولت به توکل خدا یک رقم کار و فعالیت می کند چشم بد دور ، که یک رقم نی یک رقم ، یک جای نی یک جای ، به شکلی از اشکال مضمور این فعالیت را مردم با پوستهای به شکم و شکم های به پشت پسییده، شان در هرجا و هر لفظه و بضموم درراه بندان های طول البلد و عرض البلد چنان احساس می کنند که نپرس ، در زمان راه بندان کسی عیان و کسی پنهان از بارگاه حق استدعا می کنند که : ای پروردگار عالم ، تو آن بنده ، کله دار ات که



موتر را سافت جایش را بهشت برین بگردان . از برکت همان بنده، جنتی ات است که امروز مقامات ما کاروان ، کاروان از برابر پشمان ما سوار بر آن می گزرنند فوب شده این کاروان فیل ها نبودند و گر نه بجای 5 ساعت راه بندان 24 ساعت راه بندان می شد و باز فوب شد که این کاروان اشتر ها نبودند که بجای 6 ساعت راه بندان 16 ساعت راه بندان می بود و مهم تر از همه اینکه کسالت مقامات معظم ما از سواری بر فیل ها و اشتر ها موجب برهم خوردن مزاج مبارک شان می گردید و این مظلومین، روز ها بجای شب و شبها بجای روز در

خواب شترین ، مداوا و علاج رفع کسالت به سر می بردند که خدا نافواسته، در صورت دچار شدن به کسالت مزاج مقامات نظم و ترتیب موجود، هفت کوه سیاه در میان فلج می شد که این خود باعث عقب مانی و نارسائی های بموقع و بی موقع در کار های دولتی و حکومتی و نظم عامه می شد . . . . .

به همین سلسله، راه بندان من هم همین پیش پریروز در یک راه بندان پر از مظاهره چیان با شعارهای رنگی ، جنگی و بتگی بردست چنان گیر افتادم که در جای ام میفکوب و ازدیدنش هک و پک شده بودم قصه از این قرار است : زمانیکه می فواستم از چهاراهی بناه چار پلاق ، بگزره که ناگاه پشمانم به موبی از معترضین ناراضی ، سرکش و سر تنبه که با عالمی از شعار های مفتلف النوع از چهار طرف چهاراهی چار پلاق ، با موزیک اشپلاق رسیدن که به مجرد رسیدن راه بدان شروع شد و من بیچاره و بیفبر از اصل قصه چنان جای به جای میفکوب و هک و پک ماندم و وقتی که من پلیس را دیدم که در راه بندان پی صادقانه به وظایف شان می رسند و مظاهره را حمایت می کند . دلخ یک رقم باغ ، باغ شد و با خود گفتم که متمن از حق یتیمان و بیوه زنان در این مظاهر گپهای فواهد بود و یا اینکه مسله کار و بیکاری مطرح فواهد شد و یا اینکه ..... در همین پرت و فکر غرق و

پرق بودم که در وسط چهاراهی یک آدم که بیشتر خدا ناکرده به یک میرزا قلم کهنه کار و کهنه بیخ شکل و چهره میداد وارد شد و با بلند گو برای جلب توجه حاضرین گفت : توجه ، توجه و توجه !

برادر ها من میرزا شیر دل مشهور به دلبند ، رئیس یا کلانتر اتمادیه صنفی رشوه خوران طبقه پائین ، معاون اول رشوه خوران طبقه متوسط و عضو ارتباط میان طبقه بالا با سایر طبقات می باشم . همان طوریکه شما می دانید و می فهمید که زیر بنا و یا سنگ پایه هر دولت سر شانه های تمویلدار ، پیراستی ، فزانه دار ، کاتب و مامور سوار می باشد . اگر این ها مضمور فعال فزیک در موقف های شان نداشته باشند خدا نافواسته دولت بی پایه و بی سایه تنها به مقامات در طبقه بالا به شکل پوقانه در هوا معلق می ماند . و اگر رابطه بین طبقه بالا و پائین مسنه و به مساب برابر مساویانه باشد وطن گل و گلزار و همه چیز برقرار می باشد . فواست ما امروز به همین اساس است و مظاهره ما هم بر همین بنیاد می باشد که :

1 - ما از مقامات جداً تقاضا می کنیم که عاجل در قانون جزا تعدیلات و اصلاحاتی ذیل را وارد نمایند :

- رشوه فوری مق مسلم هر شهر وند کشور ما می باشد و دولت از این مق با در نظر داشت مق مساوی شهروندان مجبور به حمایت فزیک و معنوی بدون طرح بالای و پائینی است .

2 - شورای کلانتر های فارغ از پاسخ گفتند به فاطر ایجاد نظم درست و تامین عدالت باید زرفنامه ، معین و قابل اجرا در تمام سطوح ادارات دولتی برای پرداخت رشوه ، راترتیب و به زود ترین فرصت ممکن به همه دفاتر آنرا بفرستند تا با آواختن آن بالای سر مامورین و موظفین از تلف شدن وقت و پنه زدن مراجعین در جریان اجرای کار شان جلوگیری شود .

3 - ما ماضریم تا از رشوه های گرفته شده در سال ، 6 فیصد مالیه بر عایدات بپردازیم بلمقابل از مقامات هم تقاضاداریم تا از گرفتگی های شان 25 فیصد مالیه بپردازند زیرا معاملات ایشان با اسعار خارجی رفاقت و قرابت دارد.

4 - در پایان پیشنهاد می کنیم که تا راه بدان مذاکره و مفاهمه که از جانب مقامات سرراه ما بوجود آمده رفع شود تا بتوانیم با عمل مشترک تا چندی که این ده و دستگاه است در پرتو فساد عادلانه رشوه بفریم و کیف کنیم در این صورت هم ما فوش و هم شما فوش و هم ..... ما کاپی های این اعتراضنامه را به دفاتر بین المللی معتبر که در شهر ما نمایندگی دارند می سپاریم تا از سر مقامات معظم ما دست وردار شوند و ما را به کار و بار و غریبی ما بگزارند . و من الله توفیق . من که از صمبیت های عالمانه و پر از امساس عاطفی و برmq جناب میرزا شیر دل مشهور به دلبند ، فیض بردم

و با فود گفتن راستی که در کشور ما دموکراسی به مفهوم واقعی اش در حال ارتقا و ترقی است مردم می توانند از حقوق فود شان با براه اندازی اعتراض و میتنگ و مظاهره دفاع نمایند راستی خدا ، امید وار شدم به اینکه فقط ما در چند قدمی رسیدن به ناف دموکراسی قرار داریم .

[admin@vatandar.at](mailto:admin@vatandar.at)



مدیر مسوول : دیپلوم انجیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجیر نجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

به بقیه گزیده های مقالات فضل الرمیم (میم)

وطندار